سال اول

آزاد

۱۳۲۴

جریده ایست مصوره و هفته یکبار طبع و توزیع میشود

شماره (۴)
محل توزیع کتابخانه تربیت
عنوان مراسلات
کتابخانه تربیت
تبریز (ایران)
۲۵ محرم الحرام ۱۳۲۵

صفحه اول
قیمت اشتراک
هر نمره در تبریز ۲۰ شاهی
سالیانه در تبریز ۷ قران
در سایر ولایات ایران ۱۰ قران
در ممالک خارجه ۱۵ قران

در این جریده از هرگونه مقالات سیاسی و اقتصادی و علمی و صنعتی و تاریخی و ادبی گفتگو میشود و هر قسم مقالات سودمند و عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاد است .

اجرت اعلانات سطری یکقران و در صورت تکرار ده شاهی گرفته میشود .

عکاسی

لهذا نتایج حسنه و فرایع مستحسنه در این اندک زمان بعرصه بروز رسیده از آنجمله باز شدن مدارس متعدده بطرز جدید و تبدیل بعضی از مکاتب قدیم بوضع جدید و زیاد شدن روزنامه علمی و ادبی و غیره در ایران و آزادی قلم نکته سنجان و روزنامه نگاران بدین عصر گرجان فشانم رواست لهذا در نمره روزنامه مبارک معارف که از کواکب تازه طلوع است که از افق آسیا طالع گشته هست دیدم که از علم و عمل مطلا و مفضض کاری که در اکثر ظروف و اسباب و غیره لازم است مرقوم فرموده بودند این قلیل البضاعه هم خواست که شمه از علم شریف عکاسی و لوازم آن برشته تحریر آورده تقدیم حضور مبارک نماید اگر لیاقت طبع در روزنامه مبارک داشته باشد در ستون آخر جا بدهند تا مطبوعات پخته متتبعین نهای اولین عذرخواه تحریرات خامه این بنده گردد فن جمیل عکاسی در سال هزار و هشتصد و بیست و نه مسیحی که مطابق میشود با سال هزار و دویست و چهل و پنج هجری کشف گردیده کاشفشان نیپس و داگر نامان فرانسه بوده در اول کار در روی صفحه‌های فلزی مجلا شده درست میکردند چون اول کار بود آن عمل چند فقره عیب داشت اولاً آن عکس ثابت نبوده فرار بود بمحض تأثیر هوا بدون محفظه بلوری عکس محو و زایل میشد ثانیاً در هر انعکاس یکفرد عکس بدست می آمد تعدد ممکن نبود تا اینکه بسعی و اهتمام فیزیکیان ممتحن تغییر وضع داده با کلودیون درست میکردند آنهم کاری بود بسیار مشکل و خالی از نظافت میبایست یکنفر عکاس اقلاً چهار پنج سال از برای تکمیل فن عکاسی از عمر عزیز خود صرف نماید و باز رسم صحیح باین خوبیها که هست بدست نمی آمد تا اینکه همت بلند پیروان این علم باین هم راضی نشده پیش رفتن آغازیدند .

اعلان

مرکز وکالت روزنامه‌های ذیل کتابخانه تربیت است طالبین بدانجا رجوع فرمایند

روزنامهٔ حبل المتین .	روزنامهٔ چهره نما .
روزنامهٔ آزاد .	روزنامهٔ امید .
روزنامهٔ معارف .	روزنامهٔ ارشاد .
روزنامهٔ مجلس .	روزنامهٔ ندای وطن .
روزنامهٔ انجمن .	روزنامه دعوة الاسلام .
روزنامهٔ عدالت .	روزنامه تمدن .
روزنامهٔ آذربایجان .	روزنامهٔ شرافت .
روزنامه فیوضات .	روزنامهٔ تکامل .

حقوق قانونی

در شمارهٔ گذشته وعده دادیم که هریک از فصول هفده گانهٔ اساس مشروطیت را علیحده بموقع شرح و بسط بگذاریم اینک در این هفته در تمهید مقدمه مقصود چند فقره حقوقیرا که باید قانوناً بافراد ملت تأمین بشود مینویسیم که اول آن حقوق مساوات مدنی میباشد توضیح آنکه عموماً در تحت اصول مستبده مردم به طبقه منقسم میشوند یکی اعیان دیگری روحانیان سیمی رعیت که مخارج آن دو طبقه اولی را فرقهٔ اخری متحمل است و هریک از این طبقات ثلثه امتیازات علیحده دارند و اگر از نقطهٔ نظر اسلامیت غور شود معین میگردد که این مسئله بکلی با قوانین شریعت غرای اسلام مخالف میباشد چنانکه چون برحلت حضرت ختمی مرتبت نزدیک گردید آنحضرت از راه مساوات اسلامی با وجود ضعف مزاج بنفس نفیس خود بمسجد رفته و در وصیت و داعیهٔ خود بعد از آنکه اتحاد و یکدستی را بملت خود توصیه فرمودند آشکارا و به آواز بلند گفتند که اگر من کسی را بی تقصیر رنجانیده ام اینک برای انتقامش حاضر هستم فی الجمله در اثبات وجوب احترام مساوات مدنی دلایل شرعی و عقلی بیشتر از آنستکه ما آنها را در این مقاله بشماریم و بهمین یک مثال تاریخی اکتفا کرده و در تعقیب و تشریح مسئله گوئیم که مساوات مدنی عبارت از آنست که هرکس در صورت اهلیت در استخدام دولتی محذوری نداشته باشد و بقول و کردار افراد ملت بلا استثنا مالیات دولتی را بر حسب ثروت بپردازد و برای هیچیک از طبقات امتیازی بسایرین نباشد و چون این سه شرط که در تحت عنوان مساوات مدنی ملحوظ شد در اندک زمانی امور اقتصادیهٔ آنان که بمنزلهٔ روح ملت است خیلی بالا میگیرد و چون این چنین شد تا یکدرجه حیات سیاسی آنان محفوظ میماند چه اگر ملت خود را صاحب دسترنج خود نداند و کشته خود را یغمای اقویا و زبردستها بیند دیگر هیچوجه در کسب معیشت ابراز غیرت نمیکند و چون ثروت نوعی مرکب از ثروت شخصی است امور اقتصادیه آنان تنزل میابد و در این صورت اساس ملیت تزلزل میافتد چنانکه امروزه مایهٔ رقابت دول اروپائی همین مسئله تجارت است و حال همه ملل متمدنه بالکلیه از خیال جهانگیری و مملکت ستانی فرود آمده و در پی حفظ منافع تجارتی میباشند منتها در وقتیکه تجارتشان تسخیر ناحیه لزوم پیدا کرد از قربانی جان و مال مضایقه نمیکنند و در آتیه در تحت عنوان مالیه این مطلب را مشروحاً بقدر اطلاع خودمان موضوع بحث قرار خواهیم داد .

مادهٔ دوم حقوق مشروحهٔ فوق حریت شخصی است که شخص فاعل مختار و در افعال خود آزادی دارد که هرکجا میخواهد میرود و با هر و با هر شغلیکه میل دارد مشغول میشود و احدی را برایش یارای تعرض نمیباشد و از دولت همین ماده حقوقست که قانوناً هیچکس را بی تقصیر نمیتوان حبس و مسلوب الحریه نمود ولی اگر شخصی قویاً در امر خلاف قانونی مظنون باشد بحکم قانون توقیف او جایز است و یکی نیز از نتایج این حقوق آنستکه بی اجازه هیچ ماموری نمیتواند داخل یک خانه بشود مگر اینکه تحری آن منزل برای امنیت عمومی لازم باشد.

مکتوب از اسلامبول

بتاریخ بیست چهارم ذیقعده الحرام تلگراف ارتحال خاقان خلد آشیان مظفرالدین شاه مغفور باسلامبول رسیده و بعد از شیوع و انتشار این خبر محنت بار مجالس سوگواری برپا و در روز عموم افراد ملت ایرانی مغازه و دکاکین شان را مسدود نمود و لازمهٔ محبت باطنی

واحساسات شاه‌پرستی را ابراز داشتند و پس از قیام مراسم عزا داری عموماً در انتظار خبر جلوس اعلیحضرت (محمد علی شاه) بودند تا غرهٔ شهر ذیحجة الحرام تلگراف جلوس همیونی بسفارت واصل و در میان آحاد اهالی منتشر و شایع گردید . .

وکلای ملی ایرانیان اسلامبول که مرکب از دوازده نفر هستند با اتفاق جنرال قونسول (. . . .) بجامع خان والده آمده و عموم تجار واصناف و کسبه را جمع نموده امر و اعلان نمودند که یوم شنبه سیم ماه را مراسم شهرآئین وجشن وچراغانی در بیوت ومساکن ودکاکین عموم ایرانیان بعمل آید جمیعاً قبول کرده وهرکسی در یوم معین اسباب چراغانی فراهم آورده و بیرقهای (شیر وخورشید) وماه وستاره نصب نموده بودند تا ساعت نه از دسته گذشته بیرقها آویزان و قنادیل وفانوسها در بالای طاقها بجهة ایقاد حاضر بودند وکسی ممانعت نداشت ودر سفارت کبری معتبرین وسفرای خارجه واعیان واشراف ایرانی بجهة تبریک وتهنیت حاضر بودند بناگاه مامورین پولیس وژاندارم عثمانی بمحل هائی که اسباب جشن ایرانیان فراهم بود رسیده وانفساخ چراغانی وبرداشتن بیرقها را امر نمودند از این مطلب همه متعجب ومبهوت مانده وهرکس که بدون گفتگو بیرق وفانوس وقندیلها را جمع نمود فبها والا مامورین عثمانی جبراً وبالذات برچیده میگذشتند .

پس اشخاصی که این حقارت در حق آنها مجری شده بود تماماً بسفارت ریخته وشکایت نمودند سفیر کبیر وشاعر بی‌نظیر ما ترجمان اول سفارت میرزا اوهانس خان را به مابین همایون بجهة پرسیدن سبب این معامله ناهنجار فرستاد لیکن در این جانب آفتاب غروب نمیکند اشخاصی که قنادیل وفوانیس دارند بنا نمودند روشن کردن مثلاً قرب وجوار خان والده را مأمورین هرقدر خواسته بودند برچینند صاحبان بیوت ودکاکین ابداً رضا نداده ومهیای جلوگیری مأمورین بوده اند آن قدر نمانده بود که مسئله بیشتر اهمیت پیدا نموده وبلوای عمومی و واقعهٔ کربلا بعمل آید برکت بدهد که مأمورین عثمانی سخت گیری ننمودند در ساعت دو از شب گذشته جناب سفیر بجهة تماشای جشن خان والده تشریف آوردند اهالی مراتب را تماماً بعرض رسانیدند وهتک حرمت ایرانیان را از طرف مأمورین عثمانی یک بیک شمردند جناب سفیر فرمودند خیر ! حق ندارند از سرای پادشاهی تا دوازده سنه گذشته اذن ومساعده گرفته‌ایم از مضمون نطق جناب سفیر چنان مفهوم میشد که این شهرآئین وجشن مخالف نظام بوده زیرا که در جلوس سلاطین سایر دول جشن فقط منحصر بسفارت است وبافراد اهالی شمولیت ندارد ولی سفیر بی‌نظیر ما خواسته است که کاری فوق النظام وخارق العاده اجری نماید که بدین جهة این قدر رسوائی وافتضاح بار آورده واین همه رذالت وسرافکندگی ایرانیان را در میان سایر ملل اجنبیه سبب شد یوم بعد چند نفر از طرفداران حریت ومشروطیت جمع شده ولایحه نوشته بمجلس وکلای ایرانیان اسلامبول دادیم ملخص صورتش از قرار ذیل بود .

استدعای ایرانیان مقیم اسلامبول (از وکلای ملی)

شما وکلای ملی با جناب قونسول ما اصناف وکسبه را بجامع خان والده جمع وامر باجرای جشن وشهرآئین بجهة جلوس اعلیحضرت همایونی نمودید هرکسی از ما هم بقدر قوهٔ خود متحمل مصارف شده وقنادیل وبیرقها تهیه واسباب جشن فراهم نمودیم ولی چنانچه دیدید مأمورین عثمانی آمده بیرق شیر وخورشید ملی ما را سرنگون وچراغها وقنادیل را خاموش کردند حالا ما از شما میپرسیم که آن امر وفرمان شما وجناب قونسول چه بود ؟ واین نمی

مامورین عثمانی چه ؟ وآنگهی این همه رذالت وافتضاح چرا ؟ باشدت تمام مطالبهٔ حقوق خودرا نموده ومنتظر جواب هستیم والا . . .

عموم ایرانیان مقیم اسلامبول این ورقه را که متجاوز از شصت مهر بآن زده بود توسط وکلا بجناب سفیر تقدیم داشتیم وبوکلا هم پیش از وقت عرصه را تنگ نموده وگفتنی ها را گفته بودیم پس یوم دیگر جناب سفیر بباب عالی رفته وباصدر اعظم ملاقی شده وعرایض ایرانیان را در مقام اثبات مدعا ابراز نموده ومطالبهٔ تنبیه وجزای مامورین مسئول را درخواست نموده واز جانب صدارت عثمانی در مقام تسلی این گونه جواب داده شده بود (یوم جشن که تا ساعت نه از دسته گذشته ممانعت نشده بود بعد یکی از مخفی نویسان سلطانی کار را بسرای مشتبه نموده وراپورتی مخالف حقیقت داده بود بناءً علیه ارادهٔ سنیه صادر شد که بساط شهرآیین وچراغانی را برچینند) گویا این جواب صدارت بوده که بسفیر داده ودر انجام کار جناب سفیر عزل ده نفر از قومیسرهای پولیس را بجهة اسکات ملت خواسته واز صدارت هم بمعزولی پنج نفر رضا وقول داده که جناب سفیر هم کیفیت را درجواب لایحه وپروتست ما بجناب معتمد التجار ابلاغ ومشارالیه هم تفصیل را بیان فرمودند درجواب عرض کردیم ما مطالبه حقوق ضایع شده خودرا خواهانیم قومیسرهای پلیس را از اینجا بآنجا نقل داده واحتمال که مواجبشان هم علاوه خواهد شد مثل واقعهٔ کربلا ومعزولی بغداد وتعیین ونصب وبماموریت مهمتر از والیگری بغداد آخر نمیدانیم چرا ما ایرانیان اینگونه اسیر وذلیل ودرمیان سایر ملل اجنبیه خوار وزبون شده ومیشویم این گونه اشخاص بی کفایت ومداهن سفیر کبیر ایران شده وما هم میگوئیم درمقابل سفرای مقتدرهٔ اجانب سفیر داریم . . . اشهد بالله وکفی سفرای صرب ورومانیا حکمشان بدرجات شتی از سفیر ما نافذ وقاطع تر است جای تعجب اینجاست که یکدسته موزیک از وزیر خارجه بجهة ترنم در سفارت خواهش شده بود قبول نشده وبالاخره از سفیر انگلیس موزیک کشتی معیت اش را خواسته وجواب مساعد مع الممنونیه داده وبعد که بسرای وبابعالی بذریعهٔ مخفی نویسان اظهار چگونگی شده بود فوراً ارادهٔ بارسال یکدسته موزیک صادر شده بود گویا از جانب وزارت خارجه در این باب بجناب سفیر اینطور جواب رسیده که بمجرد ارتحال مظفرالدین شاه سفیری شما لغو شد بعد که تلگراف ابقای ماموریت شما رسید البته وظیفهٔ ما فرستادن موزیک است خلاصه مضبطهٔ که صورتش در فوق ذکر شد نسختین بوده اشخاصیکه آن یکی را مهر کرده بودند این را هم مهر نمودند امروز با پست نمره بدار الشورای کبرای طهران فرستاده خواهد شد بلکه از آنجا بدردهای ما چاره شده ومعزولی این شخص . . . . اجرا شود تا از طعن وشماتت اجانب وارسته شویم .

احوال هوائیهٔ اسلامبول از پنجم ذیحجه برف وسرمای شدید ابتدا نموده که از ده سال باین طرف مثل آن واقع نشده بود تمام پنج روز (ترامو) های شهری معطل مانده گردش در اسلامبول وبگ اوغلی صعوبت پیدا کرد چند روز بازار ودکاکین مسدود ماند کشتیهای تجارتی چند متعلق بروس ویونان وسایر دول غرق وضایع شد از آن جمله کشتی موسوم به (ناخیموف) که یوم قبل غرق وتلف شد وبنا بنگارش اخبارات ترکی در اروپا وامریکا هم شدائد سخت از سرما محسوس شده است والسلام . (امضا محفوظ)

معرفة البدایع فی انواع الصنایع . اخلاق مصوّر .
تربیت البنات . سرّ مجوس . دیوان نظامی اعلا.
وسایر رومانهای فارسی در کتابخانه موجود است .